

جسم الله الرحمن الرحيم

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبانهای باستانی

بررسی کردی کرمانشاهی و
مقایسه آن با کردی سنندجی

اساتید داور: سرکار خانم دکتر امید
بہبہانی
و جناب آقای دکتر اسماعیلی

سیاسگزاری

2

که دیر زیند و شاگردانی فرهیخته و آزموده
.....

و همچنین درود می فرستم به روان پاک دکتر
لیلی رخصادی، که اگر بزرگی و کرامتش نمی بود،
من ره به جایی نمی بردم.

تقدیم به همسر که یکنه بار زندگی را
به دوش می کشد.

چکیده

در این پژوهش، سعی بر آن بوده تا دو گونه اصلی از زبان کردی، طبق معیارهای زبان شناسی، با هم مقایسه شوند. این دو شاخه - که شاید بتوان آنها را دو زبان نامید - برای شمار زیادی از مردم ایران زبان اول محسوب می گردد؛ که دیر زمانی است به آن تکلم می کنند. هدف نگارنده تعیین میزان تمایز این دو شاخه از یکدیگر است. با توجه به محدودیت زمانی، پایان نامه حاضر مشتمل بر بخش واج شناسی و صرف دو گونه فوق گردیده و امید است در ادامه کار بخش نحو نیز تهیه و به آن افزوده شود.

پس از مقدمه، در فصل دوم، به مسائل واجشناسی و مقایسه واجهای دو گونه پرداخته شده است. در زیر فصل بعدی، واحدهای زبر زنجیری مورد بررسی قرار گرفته. دو شاخه به ترتیب تمامی اجزاء کلام، در دو گونه، بررسی و بعد با یکدیگر مقابله شده اند. در بخش مربوط به ضمائر، یکی از مهمترین وجوه تمایز بین دو گونه مذکور از نظر خواننده می باشد.

در زیر فصل گروه فعلی، علاوه بر دو سر شاخه کلهری و سورانی به بعضی از تمایزات گویش اردلانی، که زیر شاخه سورانی محسوب می گردد،

پرداخته شده؛ این زیر فصل، مفصل ترین قسمت پژوهش است، که به خواننده یاری می رساند تا میزان دوری یا نزدیکی دو گونه سورانی و کلهری را بهتر دریابد. در نهایت، پس از فصل صرف، نتیجه ی تحقیق به خواننده تقدیم می گردد.

Abstract

In the present research, it has been attempted to compare two main branches of Kurdish language, on the basis of linguistic dimensions. These two branches -which most probably can be assumed two languages-, are the first language for a large number of people in Iran, and the ones which have been spoken since long ago by them. The writer's aim is to demonstrate the rate of their distinction, according to reliable linguistic criteria.

Because of time limit, the study consists of the "morphology" and "inflection" divisions, but it is to be continued and completed by "syntax" part soon in the future.

After the introduction, in the second section, the morphemes of the two languages have been discussed and compared. In the third, super segmental units have been put under consideration. In the inflection part, parts of speech, in turn, have been reviewed, and at the same time, contrasted. Through the section of "pronouns", one can distinguish and discover the main distinction between the two aforesaid languages.

In the division devoted to "verb", another contrast has been added: Ardalani, which is a subdivision dialect of "Sorani", and the distinctions, existed between Ardalani and two others have been visualized. This segment is the most detailed one in the research, by which one can realize the distinctions much better.

In the end, after the segments of "adverb" and "prepositions", conclusion has been put forward.

نشانه های آوا نویسی

الف) همخوانها

فارسی	لاتین
مانند صدای (پ) در واژه فارسی (پَر)	p
مانند صدای (ب) در واژه فارسی (بار)	b
مانند صدای (ت) در واژه فارسی (تَر)	t
مانند صدای (د) در واژه فارسی (دَر)	d
مانند صدای (ک) در واژه فارسی (کَر)	k
مانند صدای (گ) در واژه فارسی (گیره)	g
مانند صدای (ق) در واژه فارسی (قفل)	q
مانند صدای () در واژه عربی (احمد)	?
مانند صدای (ع) در واژه عربی (علی)	ġ
مانند صدای (ف) در واژه فارسی (فرهاد)	f
مانند صدای (و) در واژه فارسی (ورم)	v
مانند صدای (س) در واژه فارسی (سَر)	s
مانند صدای (ز) در واژه فارسی (زبان)	z
مانند صدای (ش) در واژه فارسی (شب)	š
مانند صدای (ژ) در واژه فارسی (ژاله)	ž
مانند صدای (خ) در واژه فارسی (خواب)	x
مانند صدای () در واژه عربی (غیر)	γ
مانند صدای (ح) در واژه عربی (حرف)	ħ
مانند صدای (ه) در واژه فارسی (همه)	h
مانند صدای (چ) در واژه فارسی (چرخ)	č
مانند صدای (ج) در واژه فارسی (جام)	j
مانند صدای (ر) در واژه فارسی (راست)	r
مانند صدای (ر) مشدد و اندکی متداوم در واژه فارسی (بران)	ř

m	مانند صدای (م) در واژه فارسی (مار)
n	مانند صدای (ن) در واژه فارسی (نم)
ŋ	مانند صدای (نگ) در واژه فارسی (رنگ) هنگامی که کاملاً از راه بینی تلفظ شود.
l	مانند صدای (ل) در واژه فارسی (لل)
ɭ	مانند صدای (ل) فارسی با اندکی ابهام و سنگینی
w	مانند صدای (و) در واژه فارسی (وای)
y	مانند صدای (ی) در واژه فارسی (یخ)

ب) واکه ها

i	مانند صدای (i) در واژه انگلیسی (did)
ē	مانند صدای کسره با کمی کشیدگی و تمایل به صدای (ی) فارس
ā	مانند صدای (آ) در واژه فارسی (بار)
ō	مانند صدای ضمه همراه با کشیدگی
ü	مانند صدای (ü) در واژه آلمانی (übung)
u	مانند صدای (او) در واژه فارسی (مو)
a	مانند صدای فتحه در واژه فارسی (بَد)
o	مانند صدای ضمه در واژه فارسی (بُرد)
e	مانند صدای کسره در واژه فارسی (مِداد)

دیگر نشانه ها

()	آنچه که در داخل دو کمان قرار می گیرد، اختیاری است.
→	در نتیجه
←	رجوع کنید به
/	هرچه که در دو طرف خط قرار می گیرند قابل جایگزینی هستند.
φ	نشانه تهی
-	نقص
کردی	هر گاه از واژه «کردی» استفاده می شود منظور هر دو کردی

فهرست مطالب

صفحه	
	فصل اول: مقدمه
	- بان کردی
	- پیشینه زبان کردی و مردم کرد
	- شاخه ها و جغرافیای زبان کردی
	- - - -
	- - - - - تقسیم بندی گونه های کردی
	- - - ضرورت و هدف کتاب
	- - - کارهای پیشین انجام شده
	- - - روش شناسی
	- - - انتخاب گویشو
	- - - آشنائی با دو استان کرمانشاه و کردستان
	- - - استان کرمانشاه
	- - - استان کردستان
	فصل دوم: واجشناسی
	- - همخوانها
	- - واکه ها

□ □	□ - □ - واج آرائی، تغییرات آوایی و برخی واجگونه ها در کلهری و سورانی
□ □	□ - □ - هجا
□ □	□ - □ - واحدهای زبر زنجیری زبان
□ □	□ □ □ : □ □ □
□ □	□ - □ - گروه اسمی
□ □	□ - □ - □ - □ □ □
□ □	□ - □ - □ - ویژگیهای اسم
□ □	□ - □ - □ - □ - وابسته پذیری
□ □	□ - □ - □ - □ - □ - وابسته های پیشین اسم
□ □	□ - □ - □ - □ - □ - وابسته های پسین اسم
□ □	چگونگی اتصال و ترکیب نشانه های نک □ □ معرفه، جمع و اضافه در کردی
□ □	□ - □ - □ - □ - □ □ □ □
□ □	□ - □ - □ - □ - معرفه، نکره
□ □	□ - □ - □ - □ - □ □ □ □ □ □
□ □	□ - □ - □ - □ - □ □ □ □ □ □ □ □
□ □ □	□ - □ - □ - میر
□ □ □	□ - □ - □ - ضمیر شخصی
□ □ □	□ - □ - □ - ضمیر مشترک
□ □ □	□ - □ - □ - ضمیر اشاره
□ □ □	□ - □ - □ - ضمیر پرسشی
□ □ □	□ - □ - □ - □ - میر مبهم
□ □ □	□ - □ - □ - □ - ضمیر ملکی
□ □ □	□ - □ - □ - □ - ضمیر متقابل
□ □ □	□ - □ - گروه فعلی
□ □ □	□ - □ - □ - ویژگیهای فعل
□ □ □	□ - □ - □ - □ - چگونگی ساخت مان فعلها
□ □ □	□ - □ - □ - □ - □ - زمانهای گذشته (غیر التزامی)
□ □ □	□ - □ - □ - □ - □ - زمانهای گذشته ی التزامی
□ □ □	تمایز کلهری و سورانی از نظر صد □ □ □ □ □ در زمانهای گذشته
□ □ □	□ - □ - □ - □ - □ - زمانهای حال
□ □ □	□ - □ - □ - □ - □ □ □
□ □ □	□ - □ - □ - □ - معلوم و مجهول
□ □ □	□ - □ - □ - □ - وجه

۰۰۰	۰-۰-۰-۰-۰۰۰۰
۰۰۰	۰-۰-۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰
۰۰۰	۰-۰-۰-افعال کمکی
۰۰۰	۰-۰-۰-تکواژ در گروه فعلی
۰۰۰	۰-۰-۰-روه قیدی
۰۰۰	۰-۰-۰-۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰ قیدی
۰۰۰	۰-۰-۰-گروه های قیدی از حیث معنا
۰۰۰	۰-۰-۰-نقش نماها
۰۰۰	۰-۰-۰-صوت یا شیه جمله
۰۰۰	نتیجه گیری

فصل اول : مقدمه

٠٠ - ٠٠٠٠ کردی

زبان کردی [] که خود دارای شاخه های متعددی است [] از نظر زبانشناسی یکی از زبانهای ایرانی محسوب می شود . شباهتهای فراوان آواشناختی و ساختاری [] [] بان فارسی بسیاری را بر آن داشته است که زبان کردی را زیر شاخه ی زبان فارسی بدانند ؛ [] [] بزرگان علم زبانشناسی جای تردیدی باقی نگذاشته است که کردی خود زبانی ایرانی - آریائی وقابل مقایسه با زبان فارسی می باشد . (شمیت، [] []).

زبان کردی در واقع جزء زبانهای ایرانی دوره جدید است، (ابوالقاسم، ۱۳۸۵) که در

بخشهایی از ایران و قسمتهایی از کشورهای همچون ترکیه، سوریه، افغانستان، ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان، عراق، تکلم میگردد. این نواحی توسط سکنه خود، اصطلاحاً کردستان نامیده می شوند. لفظ کردستان که بر سرزمین های کردنشین ایران نیز اطلاق می شود، تا زمانی پیش از سلجوقیان وجود نداشته و در زمان این سلسله و پس از آن مورد استفاده قرارگرفته است. (رشید یاسمی، ۱۳۸۵: ۱۱۱)

الفبای زبان کردی، برگرفته از الفبای عربی است که برای این زبان مناسب گردیده^۱. گویش کرمانجی غربی، به وسیله ی گونه ای از الفبای لاتین که به الفبای ترکی نزدیک است، نوشته می شود. در محدوده اتحاد جماهیر شوروی سابق، به علت تلاش رهبران آن کشور در جهت یکپارچه کردن تمامی اقوام گوناگون الفبای کردی، که پیش از آن از الفبای لاتین اخذ گردیده بود، به الفبای سیریلی تبدیل شد. (اشیمت، ۱۳۸۵: ۱۱۱)

۲-۲- پیشینه زبان کردی و مردم کرد

منشأ زبان و مردم کرد به درستی بر کسی آشکار نمی باشد و هرگز نمی توان با قطع و یقین دراین مورد سخن گفت؛ این مطلب برای پیشینیان نیز حتی بیشتر از ما در پرده ی ابهام قرار داشته . سخنان ایشان را می توان چه بسا با اسطوره فرض کرد تا حقایق متقن تاریخی.

اظهار نظرهای این چنین از زبان تعدادی محقق اهل ایران هم به چشم می خورد. به عنوان مثال مسعودی در کتاب «مروج الذهب» چنین می نویسد: «بعضی گفته اند آنها از قوم ربیعه ابن نزاربن عدنانند که از روزگاران قدیم از اعراب جدا شده و به سبب گردنفرازی در کوهها و دره ها اقامت گرفته با عجمان و ایرانیان آن حدود مجاور گشته و از زبان خویش دور شده اند و زبانشان عجمی شده است» (صادقی، ۱۳۸۵: ۱۱۱). شرفنامه هم که کتاب خود را در دوره صفوی نگاشته

^۱ . برای اطلاعات بیشتر در مورد چگونگی مناسب شدن الفبای عربی با زبان کردی به منبع زیر مراجع نمائید: راهنمای زبانهای ایرانی، ویراستار رودیگر اشمیت، ترجمه آرمان بختیاری و دیگران. ۱۳۸۵

می توان از این میان به واقعیت نزدیک تر دانست: این جغرافیدان در آخرین قرن پیش از میلاد مسیح در مقاله ی خود از محلی به نام «*Gordiae*» نام می برد که شاید بتوان آنرا به کردستان نسبت داد. او این واژه را برگرفته از نام قهرمان نام آوری می داند که زاده ی «*Triptolemus*» می باشد.^۱

بعضی تاریخ شناسان پر آوازه براین باورند که،
کردهای امروز نوادگان مادهای دیروزند. بآن هر
سرزمینی - اگر رویدادهای تاریخی آن را تغییر
نمایند - زبان ساکنان کهن همان سرزمین است.
به نظر می رسد، رویدادهای تاریخی و جابه جایی
حکومتها طی سیزده قرن نتوانسته است در بخش
کوچک (کردستان امروزی) تغییر زیادی از حیث فرهنگ
و آداب و رسوم ایجاد کند و امروز ساکنان این
بخش از مادستان کهن، کردها هستند.

همچنان که آگاهیم، زبان یک پدیده‌ی اجتماعی است که براساس قواعد مشخص خود تغییر می‌کند؛ تکامل و توسعه می‌یابد و در سیر تکاملی خود از دیگر زبانها تاثیر می‌پذیرد؛ و او هم بر آنها اثر

12

می‌گذارد و گاهی در این گیر و دار به کلی خاموش می‌شود. زبان مادی نیز از این قاعده مستثنی نیست و از همه‌ی زبانهایی که به پشتوانه‌ی قدرت سیاسی و بر آنها تأثیر گذاشته است و شاید شکل تحول یافته آن به صورت کردی به ما رسیده باشد.

البته از زبان مادی کهن چیزی جز تعداد اندکی واژه باقی نمانده است که در متون و کتیبه های فارسی باستان و آشوری دیده می‌شود. در همین کتیبه ها احتمالاً از کردها با نام «کورتیک» کرد کورتی» یاد شده است. (ایرانی و دیگران، ۱۳۸۵) موارد ذکر شده نمی‌تواند در این باور به یقین برسا پس این حال دانشمندی بر این عقیده پای فشرده:

-مینورسکی بر این عقیده است که تمام لهجه های باز مانده در زبان کردی از زبان قدیمی و نیرومندی نشأت گرفته که همان مادی است. (۱۳۸۵)

-پروفسور سائیس می‌گوید: مادها عشایر کرد بوده و در غرب ایران می‌زیسته اند و تا جنوب بحر خزر زیر نفوذ آنان بوده است و دارای نژاد و زبانی آریایی بوده اند. (سنندجی، ۱۳۸۵)

-دارمستتر مستشرق فرانسوی زبان کردی را مشتق از زبان مادی می‌داند. (سنندجی، ۱۳۸۵)

-سیسیل جی، ادموندز می‌گوید: به گمان من بنا بر موجبات جغرافیایی و زبان شناسی می‌توان گفت کردهای امروزی نمایندگان مادها هستند. (۱۳۸۵)

-دیا کونوف با معرفی سرزمین تاریخی ماد و ذکر دوازده ناحیه جغرافیایی اصلی و استقرار مادها در بخش مرکزی سرزمین ماد و بخش‌های علیای رود دیاله ممتد بود یعنی ناحیه شهرهای کنونی میا و سلیمانیه و زهاب و بخش علیای رود دیاله و آنچه در مثلث شهرهای کنونی سلیمانیه، زهاب، سنندج قرار دارد معرفی می‌کند. (دیاکونوف، ۱۳۸۵)

قوام و طوایف کرد، در هر کجای دنیا که می‌زیند، دارای فرهنگ و آداب و رسوم یکسان هستند، و همواره دلبستگی و وفاداری خود را به فرهنگشان-که

بنا به عقیده خودشان بسیار کهن است - ۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱
۱۱۱۱.

۱-۱- شاخه ها و جغرافیای زبان کردی ۱۱۱۱۱۱ - ۱۱ - ۱۱

زبان کردی از آنجا که در محدوده ی جغرافیایی نسبتاً وسیعی رایج می باشد، مانند هر زبان زنده ی دیگر دارای شاخه های فراوانی ۱۱۱۱. شاید چیزی که در اینجا از اهمیت بیشتری برخوردار است دستیابی به معیار صحیح زبانشناختی می باشد که بتوان به تقسیم بندی روایی پیرامون این شاخه ها دست یافت. قبل از هر چیز بجاست که به تعاریفی همچون زبان، گویش، ولهجه پردازیم:

زبان نظام ویژه ای از ارتباط انسانی مانند زبان فرانسوی، زبان هندی است که گاهی اوقات توسط مردم یک کشور بکاربرده می شود ، و گاهی اوقات به وسیله بخشی از یک کشور به کار گرفته می شود. (ریچاردز، ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ - ۱۱۱۱ - ۱۱۱۱)

اما این تعریف شاید از بعضی جهات کامل نباشد یا حد اقل در مورد آن اینگونه می توان گفت که زبانی چه بسا در یک منطقه ی جغرافیایی خاص که در اطراف مرز کشوری قرار دارد تکلم می شود. تعریف زبان در مقایسه با گویش را شاید بهتر باشد به گونه ی دیگری مطرح کنیم: شاخص تمام شدن محدوده ی یک زبان در یک محدوده ی مکانی و آغاز زبانی دیگر میزان تفهیم و تفاهم بین گویشوران آن دو زبان است. به عبارتی ۱۱ دیگر اگر دو گویشور بتوانند بدون مشکل خاصی ارتباط کلامی برقرار سازند پس می ۱۱۱۱ گفت که آن دو گویشور دارای زبانی مشترک

هستند؛ هر چند ممکن است به دو گویش متفاوت متعلق
باشند.

این معیار نیز اندکی با مشکل مواجه می شود:
همانگونه که در ادامه این تحقیق متوجه خواهیم شد
گاهی پیش می آید که گویشور الف میتواند تا حدی
کلام گویشور ب را متوجه شود اما گویشور ب از فهم
کلام گویشور الف عاجز است. (به ترتیب مانند
گویشوران مهابادی و کلهری در زبان کردی) اینجا
باید به این نکته توجه کرد که باط برقرار می شود اما به صورت یک
طرفه.

در موارد دیگری دیده می شود که گویشور الف
و ب در اولین برخورد قادر به ارتباط نبوده و
زمانی کوتاه -هرچند بسیار کوتاهتر از یاد گیری
زبانی کاملاً بیگانه- لازم است که به کدهای زبانی
یکدیگر پی ببرند (مانند گویشوران سورانی و کلهری
در زبان کردی).

به عبارتی دیگر، فهم متقابل احتیاج به زمان
دارد، اما این زمان در مورد گویشها یکسان نیست.
آیا یادگیری زبان کردی کرمانجی شمالی برای یک
فارسی زبان همان اندازه وقت می برد که برای یک
گویشور کلهری؟ با اینکه می دانیم در اولین
تلاشها چه گویشور کلهری و یا فارسی نمی توانند
با گویشور کرمانجی ارتباط کلامی برقرار سازند.

موارد بالا در مورد بعضی از گویشهای ترکی نیز
مشاهده می شود و گویشوران می دانند که زبانشان به یک
نام خوانده می شود و از نظر آداب و رسوم و فرهنگ
تشابهات فراوانی با هم دارند و قادر به تکلم
با یکدیگر نیستند.

هنگامی که به کار ساختار شناسی و بعد
مقایسه ی ساختارهای دو زبان بسیار نزدیک یا
دوگویش دور از یک زبان می پردازیم متوجه می شویم
که تفهیم و تفاهم نیز مانند دیگر جنبه های زبان
مطلق نیست: چه بسا دو گویش به ظاهر مشابه
تفاوتهای آوایی؛ و نه ساختاری؛ برای گویشوران
آن دو زبان غیر قابل فهم گردند.

حال سؤال دیگر اینست که دوگویش را چگونه می
توان از یکدیگر متمایز کرد؟ با بررسی دو محدوده
ی جغرافیایی و گویشوران آن دو منطقه که به یک

معیار ذکر شده را نگارنده از استاد ارجمند جناب آقای دکتر یحیی مدرسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در
تهران شنیدم.

زبان مفروض مشترک سخن می گویند^۱ می توان متوجه شد که محدوده مفروض (الف) مفهوم خاصی را به گونه ای نام گذاری نموده اند که که محدوده ی (ب) همان مفهوم را به گونه ای دیگر می نامند. اما این دو نام گذاری تا حدی بهم نزدیک است^۲ یا به گونه ای است که گویشوران دچار سوء تفاهم کمتری می شوند: (گرچه این معیار نیز کاملاً مطلق نمی باشد)^۳ به عنوان مثال مردم کرمانشاه که به گویش کلهری صحبت می کنند منزل مسکونی خود را «^۴ » می نامند و مردم شهرستان صحنه که به همان گویش سخن می گویند «^۵ » می خوانند.^۶

یافتن تفاوت های گویشی در زبان شناسی کار آسانی نیست چرا که محقق می باسیتی به هردو گویش نه تنها مسلط باشد بلکه به معیار مطمئنی نیز دست یابد که البته این دومی کار را بسیار مشکل تر می کند.

برای یافتن این معیارها سؤالات زیادی به ذهن می رسد، از جمله اینکه : این تفاوتها از کدام سنخ دستوری باید باشد؟ مثلاً اگر تفاوتها در ^۷ گاه فعل دو گونه زبان مورد مطالعه موجود ^۸ آنگاه آیا باید گونه های زبانی را گویش بنامیم یا لهجه؟ اگر دو گونه زبانی دارای تعدادی نامگذاریهای متفاوت باشند؛ چه میزان از این تفاوتها منجر به تمایز گویشی دو گونه ی مورد مطالعه می گردد؟ و چه میزان به تمایز لهجه ای؟

تعریف لهجه ، البته طبق معیارهای علم زبان شناسی ، به تفاوت های فردی اطلاق می ^۹ ، (یول، ^{۱۰}) که به ظاهر موضوع بحث ما نمی باشد اما گاهی اوقات تفاوت های محلی دو گونه بسیار نزدیک از یک زبان آنقدر ناچیز هستند که واقعاً محقق در می ماند که این تفاوتها را به حساب تمایز لهجه ای بگذارد یا گویشی؟

از آن سوی ، همانطور که پیش از این ذکر گردید گاهی تفاوتها و تمایزات فراتر از حد دوگویش اند؛ بطوریکه گویشوران قادر به فهم کلام یکدیگر نیستند.

شاید یکی از موارد عجیبی که برای محقق در تطبیق گونه های زبانی رخ می نمایاند اینست که

^۱ در زبان فارسی، که زبان دوم مردم مناطق یاد شده است، «^{۱۱} » واحد شمارش خانه مسکونی است، و «^{۱۲} » در گویشهای کردی به معنای منزل مسکونی مورد استفاده قرار می گیرد. لذا این دو واژه با هم دارای ارتباط معنایی هستند.

تفہیم و تفہام بہ صورت یک طرفہ اتفاق می افتد:
 گویشور سورانی می تواند صحبتہای گویشور
 کلہری را متوجہ شود اما گویشور کلہری از فہم
 گویشور سورانی بہ کلی در می ماند. با کمی دقت
 متوجہ می شویم کہ این رویداد بہ علت دخالت زبان
 فارسی
؛ از آنجا کہ زبان رسمی در ایران فارسی
 است و بسیاری از گویشہا تحت
 قرار گرفتہ
 (کلباسی،
 ص اول پیشگفتار) متوجہ می شویم
 کہ بعضی از گویشہای کردی بہ زبان فارسی
 نزدیکترند، و در مقابل بعضی دیگر بہ نسبہ از آن
 دور بودہ شباهت کمتری بہ زبان فارسی دار
 .

زبان کردی کلہری، بہ ہر دلیل، دارای خصوصیات
 بسیار نزدیک بہ زبان فارسی است و بہ همین
 تقریباً دیگر گویشوران بہ راحتی می توانند
 بفہمند، اما گویشور کلہری نمی تواند با
 گویشورانی کہ دارای گویشی دور از زبان فارسی
 ہستند ارتباط برقرار سازد.

اساسی کہ این مقال در پی یافتن آن است
 شامل تشخیص وجہ ممیز بین دو کردی کلہری و سورانی
 است. بہ عبارتی دیگر
 می خواہیم بدانیم
 آیا
 آنها دو زبان ہستند؟ دو گویش اند از زبانی
 واحد؟ یا اینکہ تفاوتہای آنها درحد دو لہجہ
 بیشتر نیست.

نتیجہ آنکہ، مشخص کردن مرزہای زبانی و گویشی
 ، مخصوصاً در زبان کردی، کاری است کہ محتاج وقت و
 دقت زیادی است. تمامی زبانہا یا گویشہای کردی
 دارای مشخصہ های مشترک فراوانی ہستند، کہ قطعاً
 تصمیم گیری را در این مورد دچار مشکل می کند.
 شاید بتوان عدم تفہام، ہرچند یکطرفہ، آنہم در
 اولین برخورد دو گویشور را معیاری در مشخص شدن
 مرزہای زبانی در مجموعہ کردی بہ شمار آورد؛
 معیاری کہ نگارندہ آنرا برگزیدہ است.

۱-۱-۱- تقسیم بندی گونه های کردی

پژوهشگران بسیاری در مورد زبان کردی قلم فرسایی کرده اند که در جای خود به آنها اشاره خواهد شد؛ آنچه که بیشتر جالب توجه است تقسیم بندی این پژوهشگران از زبان کردی است: این نکته حائز اهمیت فراوانی است که بعضی از این پژوهشگران تقسیم بندیهای خود را بر اساس معیارهای زبانشناسی انجام نداده اند و ما به درستی نمی دانیم به عنوان مثال دو گونه کرمانجی شمالی و جنوبی طبق چه معیاری از هم متمایز شده اند. اینک به چند تقسیم بندی در زبان کردی اشاره می کنیم:

۱-۱-۲- تقسیم بندی بر اساس کتاب « راهنمای زبانهای ایرانی»

این کتاب که در سال ۱۳۳۳ توسط جمعی از زبانشناسان اروپائی و با ویراستاری رودیگر اشمیت به نگارش در آمده است کردی را به سه شاخه عمده ی شمالی، مرکزی و جنوبی تقسیم می کند:

یک- گروه شمالی که خود به دو زیر گروه قابل قسمت

شماره ۱) **گروه غربی** شامل گویش های موسوم به کرمانجی که در هفده شهرستان واقع در شرق و جنوب شرقی ترکیه، در جوار مناطق کرد نشین ایران و سوریه،

همچنین، این گروه شامل زبان جوامع مهاجر کرد، که در سلیسی پراکنده هستند، و زبان جمعیت های کرد، که در اغلب شهرهای بزرگ ترکیه ساکن هستند، نیز می شود. به این گروه زبان کردی رایج در دشت جزیره در شمال شرقی سوریه، زبان جمعیت های کرد ساکن در اغلب شهرهای سوریه و همچنین زبان کردهای ساکن لبنان را نیز باید اضافه کرد. گویشهایی که به گویش های ذکر شده نزدیک هستند عبارتند از: گویش های کردی رایج در شمال استان آذربایجان غربی در ایران، همچنان که کردی رایج در استانهای

۱. قطعاً تقسیم بندی های دیگری نیز وجود دارد، اما آنچه در اینجا ارائه گردیده است تنها شامل آنهایی می شود که نگارنده مورد مطالعه قرار داده.

خراسان و بلوچستان، و احتمالاً کردی رایج در
□□□□□□□□.

□ (گروه شرقی عبارت است از کردی رایج در ماورای قفقاز شوروی سابق، یعنی در ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، همچنان که در ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان. گویش دیگری که با این گویش قرابت دارد، گویش موسوم به بادینان است، که بر مبنای سلطان نشین باستانی بهدینان نامگذاری شده و در شمال غربی عراق، در موصل و دوهک رواج دارد.

□□ - گروه مرکزی

این گروه در شمال شرقی عراق در شهرستانهای سلیمانیه، اربیل، کرکوک و خانقین رواج دارد و در آن ناحیه، بر مبنای سلطان نشین باستانی سوران، سورانی نامیده می شود. همچنین، این گروه شامل گویشهایی می شود که در همسایگی نواحی ذکر شده، یعنی در کردستان ایران (در جنوب استان آذربایجان غربی) رواج دارند و موسوم به کردی یا مکرری هستند. این گروه زبانی تا ناحیه ی جنوبی تری در استان کردستان نیز امتداد می یابد، جایی که گویش موسوم به سنه ای (سنندجی) رواج دارد.

سه - □□□□ جنوبی

گروه جنوبی از تعدادی گویشهای ناهمگون تشکیل شده که از این بین می توان به گویش کرمانشاهی (رایج در استان کرمانشاه) گویش سنجابی، گویش کلهری، گویش لکی، گویش لری، و غیره اشاره کرد. از این گروه زبانی، هیچ گونه زبان ادبی به وجود نیامده □□□.

□□ - □□ - □□ - سیم بندی شیخ محمد مردو:

آیت الله شیخ محمد مردوخ کردستانی در کتاب تاریخ مردوخ، کردها را به چهار شعبه تقسیم می کند: الف) کرمانج ب) گوران ج) لر د) کلهر و عنوان می دارد که نیای زبان کردی همان مادی بوده است؛ و آنگاه برای کردی جدید هفت شاخه زیر را

□ . مطالب فوق در مورد گروه جنوبی صحیح نمی باشد: اولاً، این گویشها ناهمگون نیستند؛ به عنوان مثال، گویشهای کلهری و کرمانشاهی در واقع یکی هستند، و گویش سنجابی نیز به جز در موارد بسیار معدودی با گویش کلهری یکسان است (ر.ک. رضائی، فرهنگ کلهری - فارسی پیشنا □□ صفحه □□ و ر.ک. سلطانی، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان □□ □□ ثانیاً، اگر تمام استان کرمانشاه به گویش کرمانشاهی صحبت می کنند، پس دیگر گویشها در کجا رایجند؟ □□□ در این تقسیم بندی چرا محدوده ی جغرافیائی گویشهای ذکر شده مشخص نگردیده است. (نگارنده)

بر می شمرد: لولویی، زازایی، کرمانجی، گورانی، لری، کلهری، گیلی.

۱-۱-۱- تقسیم بندی شیخ محمد خال

در مقدمه ی «فرهنگ خال» چهار گونه کردی بر می شمارد:

الف) زازایی

ب) کرمانج شمالی شامل: گونه های بوتانی، بادینانی، حکاری، بایزیدی، شمدینانی

ج) کرمانجی جنوبی شامل: گونه های سورانی، بابانی، مکیانی، اردکانی، کلهری و گورانی

۱-۱-۲- تقسیم بندی امیر شرف الدین بدلیسی

امیر شرف الدین بدلیسی در «شرف نامه» یا «تاریخ مفصل کردستان» کردی را دارای چهارگونه میداند:

الف) کرمانجی ب) گورانی ج) کلهری د) لری
او تقسیم بندی خود را بر اساس تمایز فرهنگی بنا می نهد و این چهار طایفه کرد را دارای آداب و رسوم متمایز بر می شمارد.

۱-۱-۳- تقسیم بندی توفیق وهبی

توفیق وهبی در سال ۱۳۱۳ طرح تقسیم بندی لهجه های زبان کردی را ارائه داده است که زبان کردی را به دو شاخه عمده تقسیم می کند:

الف) کرمانجی خواروو (جنوبی) که خود دارای زیر شاخه های: بایزیدی، بوتانی، حکاری، بادینانی، موکریانی و سورانی و سلیمانیه است.

ب) کرمانجی ژوروو (شمالی) که دارای زیر شاخه های: لری، گورانی، و زازایی

۱-۱-۴- تقسیم بندی . . مکنزی

د.ن. مکنزی، زبانشناس برجسته ی انگلیسی در کتابی «مطالعات گویشهای کردی» در مورد بعضی از شاخه های زبان کردی نوشته است؛ آنچه اینجا مهمتر می نماید نام گذاری او بر شاخه های کردی نیست بلکه استفاده این زبانشناس از واژه ی انگلیسی dialect است که معادل فارسی آن همان گویش می باشد. (یول، ۱۳۷۷: ۱۱۱) کتاب خود دو گروه از زبانهای کردی را مورد مطالعه قرار داده است:

-گروه اول شامل گویشهای ذیل می .

1. سلیمانیه

2.

3. بنگرد و پیژارد

4. مگری

5. اربیل

6. سورچی

و گروه دوم شامل گویشهای ذیل است

1. اکره

2. شیخان و دو هوک

3. هکاری و بوهتان

4. □□□□

او تقسیم بندی خود را گویش نام می نهد و به نظر کاملاً صحیح می آید؛ چراکه با اندکی دقت در کار فوق العاده دقیق او می توان دریافت (یا حداقل حدس زد) که تفاوت بین این گونه ها به اندازه ای نیست که باعث عدم تفهیم و تفهام بین گویشوران آنها گردد. شاید به جرأت بتوان گفت که اوتنها کسی است که چند گویش را همزمان مورد مطالعه قرار داده درحالیکه مسأله ی میزان تمایز آنها را از نظر دور نداشته است.

□-□-□- تقسیم بندی ایران کلباسی

او در کتاب خود «گویش کردی مهابادی» اظهار میدارد که کردها خود کردی را به دو شاخه ی شمالی و جنوبی تقسیم می کنند که شاخه ی شمالی به «کرمانجی» و شاخه ی جنوبی به «سورانی» □□□□ □□□□ و هریک از ایندو زیر شاخه هایی دارند:

- «کرمانجی» که شمال غرب دریاچه ی ارومیه و نواحی کوههای آرات ، شمال سوریه ، شمال کردستان عراق و نواحی کردنشین ترکیه و ارمنستان را در برمی گیرد.

- «سورانی» یا گویش جنوبی که در شهرهای ایرانی مهاباد ، نقده ، اشنویه ، سقز ، بانه ، سردشت ، بوکان ، سنندج و در شهرهای عراق در سلمانیه ، خانقین ، حلبچه ، اربیل، قلعه دیزه رایج است. در این تقسیم بندی نیز هیچ نشانی از معیارهای زبانشناختی به چشم نمی خورد.

□-□-□- تقسیم بندی علی رخزادی

دکتر علی رخزادی در مقدمه ی کتاب خود «آواشناسی ودستور زبان کردی» تقسیم بندی جامعی را همراه با حوزه ی جغرافیایی هر گویش ارائه می

دهد؛ در این تقسیم بندی چهار شاخه ی اصلی و چند زیر شاخه ی فرعی وجود دارد:

-کرمانجی شمالی

که دارای گونه های ذیل است: جزیره ای، هکاری، بایزیدی، بوتانی، بادینانی؛ که در ترکیه :
مناطق کردنشین جزیره، دیاربکر، ارزروم، بایزید، هکاری، ماردین، بتلیس، وان، آگری، شمدینان؛ و
در مناطق عقره، دهوک، زاخو، عمادیه
در ایران : در قسمتهای اورمیه، سلماس، مرگو، نقده، برادوست ترگور، مرگور و کردهای
در سوریه: در تمام مناطق کرد نشین از جمله: قامیشلی، حسکهو؛ و در همه مناطق کرد نشین ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، ترکمنستان رایج
.

-کرمانجی جنوبی (سورانی)

این شاخه دارای گونه های زیر است: مکریانی، سوران، اردلانی، جافی که در این مناطق جغرافیای تکلم می شود:

مکریانی در ایران: مهاباد، بوکان، سردشت، پیرانشهر، نقده، اشنویه.

در ایران: سلیمانیه، کرکوک، اربیل، موصل،
.

سوران در ایران: سقز، بانه، ایوان، تکاپ.

اردلانی در ایران: سنندج، دیواندره، کامیاران، لیلاخ.

جافی در عراق: شروز، کرکوک، کلار، کفری.

جافی در ایران: جوانرود، روانسر، بخشی از سرپل ذهاب، ثلاث باباجانی

-کرمانشانی (کلهری) - لری

که دارای شاخه های ذیل است: کرمانشانی (کلهری)، لری، فیلی، بختیاری، گورانی-زازئی و در حوزه های جغرافیایی ذیل تکلم می شود:

کرمانشاهی (کلهری) در ایران: کرمانشاه، دالاهو، صحنه، کنگاور، قصر شیرین، هرسین، سنقرکلیائی، اسلام آباد غرب، قروه، بیجار، ایلام، ایوان، آبدانان، مهران، دهلران.

کلهری در عراق: خانقین، مندلی، نواحی بدر

لری، لکی، فیلی، بختیاری در ایران:
پشتکوه، پیشکوه، و بخشی از ایلام.